

مسیحیت را بشناسید

کرد آورنده:

قریب الله «مطیع»

طبع علی نفقة بعض المحسنين

ح

قريب الله مطيع ، ١٤٢٥هـ

فهرسة مكتبة الملك فهد الوطنية أثناء النشر

مطيع ، قريب الله

المسيحيه باللغة : الفارسية / قريب الله مطيع

المدينة المنورة ١٤٢٥هـ

١٢×١٧ ، ص ٧٤

ردمك: ٤-١٣١-٤٧-٩٩٦٠

١- النصرانية : العنوان

١٤٢٥/٧٥١٥

ديوي ٢٧٠

رقم الإيداع: ١٤٢٥/٧٥١٥

ردمك: ٤-١٣١-٤٧-٩٩٦٠

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیشگفتار

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على نبينا محمد ﷺ
وعلى سائر أنبيائه تسليماً كثيراً.
أما بعد!

کشور عزیز ما از دیر زمانی مورد حملات و تجاوز دشمنان اسلام قرار دارد، این حملات گاهی از راه سلاح و گاهی از راه پخش و نشر افکار باطل و کفری صورت می گیرد، لیکن ملت دلیر و مسلمان ما با هر تجاوزی پنجه نرم کرده اند و دشمنان را به یاری خداوند متعال خوار و زبون از کشور خویش رانده اند، اغتشاش داخلی و عدم موجودیت حکومت مرکزی قوی اسلامی در کشور زمینه را به دشمنان مساعد ساخته است تا منافع و مصالح خود را تأمین نمایند و مردم بیچاره ما را به طرف خویش بکشانند، همه دست به کار اند و فعالیت دارند، حتی کمونیست های شکست خورده نیز دوباره جان گرفته اند و می خواهند مردم را دوباره

فرب دهند، چنانکه مسیحیان نیز با کمال زیرکی از فضای تیره استفاده می نمایند، مردم را از پرستش خدای یگانه به عبادت خدایان سه گانه می خواهند ببرند، طوری که میگویند: (آب را تیره و گل آلود کن و ماهی بگیر). آنها خواهان همچو وضع در کشور ما و سایر کشور های اسلامی اند، زیرا عدم موجودیت امن و آرامش و جنگ های پراکنده و عدم حکومت مرکزی قوی اسلامی به نفع آنها تمام می شود تا بنام کمک، همکاری، دلسوزی، و انسان دوستی و حقوق بشر، همچون افکار پوچ و خنده آور خویش را بر مردم تحمیل نمایند.

دعوتگران مسیحیت زیر پرده های مختلفی فعالیت دارند، و اگر همچو وضع فعلی که همه دست بسته و حیران می نگرند دوام کند شاید در آینده نزدیک - خدای نخواست - کلیساهایی در نقاط مختلف کشور ما بنا شود.

مردم ما در راه دین و عقیده خویش قربانی داده اند نباید این قربانی های شان ضایع شود، نباید ثمره جهاد و فداکاری شان به دست بیگانگان بیفتد. امروز بر هر مسلمان لازم است تا در راه دفاع از دین و آئین مقدس خویش فعالیت نماید تا مسئولیت خود را

در برابر دین و عقیده والای خویش ادا نموده باشد .

این رساله کوچک که در باره معتقدات و فعالیت های مسیحیان در کشور های اسلامی، بحث میکند گام کوتاهیست در راه مبارزه علیه این دشمنان زرنک که باید بشکل منظم و دسته جمعی دنبال شود، تا مردم غافل و بی خبر از دام این صیادان مکار نجات یابند .

تواضع های دشمن مکر صیادی بود بیدل
 که خم خم رفتن صیاد بهر قتل مرغان است
 به امید پیروزی حق بر باطل .

قرب الله «مطیع»

مدینه منوره ۲۳، صفر ۱۴۲۵ هـ .

تعریف بعض اصطلاحات

• **تنصیر:** تنصیر یک حرکت دینی، سیاسی و استعماری است که بعد از شکست جنگ های صلیبی ظهور یافت، هدف این حرکت نشر و پخش دین نصرانیت (مسیحیت) میان امت های مختلف جهان بویژه کشور های جهان سوم یا عقب مانده بوده می خواهند مردمان آنها را زیر یوغ استعمار خویش در آورند^(۱).

• **تبشیر:** تبشیر در زبان عربی مژده دادن را گویند، همچنان خبری که بر سیمای انسان تغییر وارد کند چه خوش و چه اندوهگین باشد تبشیر نامیده می شود ولی در نزد مسیحیان مراد از تبشیر هجوم و حملهء مسیحیت بر دیانت های دیگر بوسیلهء دعوتگران شان خصوصاً حمله به اسلام را تبشیر می نامند^(۲). یا اینکه آگاه ساختن افراد و توده ها از خبر خوش مسیح که گویا او پروردگار آنها هست و عبادتش بر آنها لازم است^(۳).

۱- الموسوعة المیسرة ص: ۱۵۹.

۲- التنصیر فی البلاد الإسلامیة ص: ۱۵.

۳- التنصیر مفهومه واهدافه ص: ۴۰.

لازم به تذکر است که هدف از تنصیر و تبشیریکی می باشد .

• **مسیحیت:** مسیح اسم عیسی علیه السلام است که پیروان وی خویش را مسیحیان می نامند . گفته میشود عیسی علیه السلام را بخاطر مسیح می نامند که در روی زمین خیلی سیاحت نموده بود، و یا اینکه مسیح گویند چون او بر مریضی دست می کشید به امر خداوند متعال شفایاب می شد، یا اینکه هنگام بدنیا آمدنش با چربی مسح شده بود ^(۱) . و مسیحیان میگویند که عیسی علیه السلام بخاطری مسیح نامیده می شد که وی برای خدمت و فدا نمودن جانش بدنیا پای گذاشت ^(۲) .

• **نصرانیت:** اصطلاحی است که به پیروان عیسی علیه السلام اطلاق گردیده است . حضرت عیسی علیه السلام از طرف خداوند متعال فرستاده شد و بر او کتاب انجیل نازل گردید تا رسالت موسی علیه السلام و کتابش را که تورات نام داشت تکمیل و به اتمام برساند . عیسی علیه السلام بسوی بنی اسرائیل فرستاده شد تا به مکارم اخلاق و

۱- المفردات للاصفهانی، ص: ۴۶۸ .

۲- قاموس کتاب مقدس ص: ۸۶۰ .

تهذیب وجدان و ضمیر امر نماید ولی با گذشت زمان کمی دست خوش تحریف و تبدیل گردید و اساس آن ناپدید شد. کتاب انجیل رفته رفته با عقاید شرکی و بت پرستی آمیخته شد و قداست و منزلت آسمانی که داشت از دست رفت^(۱).

• استشراق (خاورشناسی):

استشراق (خاورشناسی) کلمه ای است که بر تحقیقات و بررسی های علمای یهود و نصاری و دیگران که ساکنین غرب اند، و علوم، زبان، دین، تاریخ، تمدن، فرهنگ، و وضعیت اجتماعی مردمان شرق نشین (مسلمانان) را مورد بحث و بررسی و مطالعه قرار میدهند اطلاق می گردد.

استشراق زمانی آغاز شد که فاتحین و جهان گشایان اسلام به دروازه های اروپا رسیدند، در این زمان مسلمانان پیشتاز و یکه تاز جهان بودند.

اروپائیها که در جهل، نادانی، غفلت و عقب ماندگی بسر می بردند آغاز به بررسی و تحقیق نمودند تا بدانند چطور مسلمانان به

این عظمت و پیشرفت دست یافتند؟ لذا بعضی از علمای کلیسا در صدد تحقیق و پژوهش شدند علوم و فرهنگ و زبان مردمان شرق (مسلمانان) را فراگیرند تا پی به علت عظمت و ترقی و منزلت مسلمانان ببرند^(۱).

و نیز پس از اینکه مسیحیان در جنگهای صلیبی که تقریباً دو صد سال دوام کرد نتوانستند اسلام را از بین ببرند، در صدد آن شدند که یک تعداد از دانشمندان شان را وظیفه دهند تا اسلام را از داخل، مطالعه کرده با مکر و فریب، چهرهء حقیقی آن را مسخ کنند، با این کار شان از یکسواروپا را از قبول کردن اسلام حمایت کنند و از سوی دیگر، مسلمانان را نسبت به دین شان به شک بیاندازند تا راه برای مسیحی ساختن شان هموار گردد. و نیز کشورهای غربی هنگامیکه در صدد استعمار کشورهای اسلامی شدند بعضی از دانشمندان شان را گماشتند شرق اسلامی را مطالعه نمایند تا زمینهء استعمار آنها آسان گردد. و ملاحظه میگردد که یک نزدیکی و تعاون خاص میان این سه گانه شوم

(تنصیر، استشراق و استعمار) موجود بوده و است، و استعمار
 گران، مستشرقین (خاورشناسان) و دعوتگران مسیحیت را کمک
 میکنند زیرا از آنها در پلانهای شوم استعماری شان استفاده
 مینمایند.

عقیده مسیحیت

خداوند متعال مسیح (عیسی) الصلیة را بسوی بنی اسرائیل فرستاد، دعوت او به توحید خالص و دین سهل و آسان و گوارا و پرستش خدای یگانه دور از هرگونه پیچیدگی و تعقید و تحریف و تأویل خارج از ذهن بود. اما اکنون دین مسیحیت به یک عقیده باطل و فلسفه پیچیده تبدیل شده که پیروانش در آن گم گشته اند و در مدح و ستایش مسیح آن چنان مبالغه کردند که او را از انسان بودن به مرز خدائی رسانیدند و گفتند: «مسیح پسر خدا است» و «خداوند فرزندی برای خود اختیار کرده» و «خدا همان مسیح پسر مریم است» - والعیاذ بالله -.

به این ترتیب از خدای واحد و صمد که نه کسی را زاده و نه از کسی زاده شده، خانواده ای به وجود آوردند که از سه عضو تشکیل شده که همگی خدا هستند! یعنی: رب، پسر و روح القدس (جبریل). و معتقد اند که مریم - علیها السلام - مادر مسیح است لیکن او را نیز به درجه تقدیس و پرستش رسانیدند و گفتند: «مریم مادر خدا است»، تا جائیکه در کلیساها مجسمه ها

و تصاویری از مریم - علیها السلام - نصب کردند که هنگام راز و نیاز در مقابلش گردن خم می کنند .

از همین جاست که پیامبر بزرگ اسلام ﷺ امش را از افراط در ستایشش باز داشته چنانکه می فرماید: «مرا پیش از حد مدح و توصیف ننمائید چنانکه نصاری پسر مریم را بیش از حد مدح نمودند همانا من یک بنده هستم، پس بگوئید: بنده و فرستاده خدا»^(۱).

مسیحیت امروزی بر سه بنا استوار است:

- ۱- عقیده تثلیث یا خدایان سه گانه .
- ۲- صلب یا (به دار کشیده شده) و تقدیس آن و فدا شدن مسیح الصلی علیہ .

۳- محاسبه مسیح با مردم در روز رستاخیز .

اول: عقیده تثلیث یا خدایان سه گانه:

مسیحیان معتقد به پروردگار و خالق بزرگ میباشند زیرا آنها اهل کتاب اند مگر عیسی الصلی علیہ (پسر!) و روح قدس (جبریل) را

با او شریک می گردانند. و در این مسأله اختلاف و تفاوت میان کلیساهای آنها وجود دارد که چگونه این معما را با یکدیگر ارتباط دهند، می گویند: جوهر و اصل سه گانه، و این قول را به وحدانیت در مثلی و یا مثلث در وحدانیت تفسیر می نمایند^(۱).

فرقه ای از آنها معتقد بر آنند که مسیح علیه السلام انسان محض است. و گروه دیگری میگوید: پدر و پسر و روح قدس سه اشکال مختلفی اند که خداوند خویش را در صورت آنها ترسیم نموده و به مردم آشکار کرده است. پس خداوند - به گمان آنها - ترکیب شده از سه اصل یا جوهر است: پدر، پسر و روح القدس!! پسر (مسیح) از خداوند (پدر) بیرون آمده و در صورت روح القدس (جبریل) و در جسد مریم انتقال نمود و به شکل زنی ظاهر گردید سپس به شکل عیسی علیه السلام از مریم بدنیا آمد.

گروه دیگری می گویند: پسر مانند پدر، ازلی نبوده بلکه مخلوقی مانند سایر مخلوقات است از همین جاست که او پائین تر از پدر بوده تابع و منقاد او امر وی می باشد.

گروه دیگری روح القدس را از این اصل سه گانه بیرون می آورند. انجمن نیقیه در سال ۳۲۵ میلادی و گردهمایی قسطنطنیه در سال ۳۸۱ میلادی تصویب نمودند که پسر و روح القدس در الوهیت با پدر مساوی اند، و پسر در ازل از پدر زایده شده است و روح القدس از پدر صادر گردیده و تجلی یافته است.

و گردهمایی طلیطله در سال ۵۸۹ میلادی تصویب نمود که روح القدس از پسر بیرون آمده است.

به این ترتیب کلیساهای غربی و شرقی در این نقطه با هم اختلاف ورزیدند و تا حال ادامه دارد. چنانکه گروهی از آنها مریم - علیها السلام - را نیز مانند پسر به مرتبه الوهیت رسانیدند^(۱).

این بود عقیده مسیحیت در مورد تثلیث که بطور مختصر آنرا ذکر نمودیم.

از سخنان گذشته چنین بر می آید: وحدانیت خداوند تعالی امر حقیقی هست و سه گانه بودن (تثلیث) نیز حقیقت دارد.

و هر یکی از آن‌ها مشخصات و ممیزات خاصی خود را دارد که با دیگر فرق دارد، و در عین زمان، هر سه یک جوهر و اصل دارند و یک ذات هستند و در قدرت و ارجمندی با هم برابر اند و در خلقت نیز از یکدیگر پیشی ندارند.

این نظریه حیران کننده ای است!!

اگر انسان عاقل این عقاید را به صورت درست بیاندیشد در می یابد که آنها معتقد به سه ذات اند و هر یک از خود مشخصات جداگانه دارد، و مسأله وحدانیت مجرد دعوی بوده که به صورت درست واضح نیست زیرا می گویند: سه اصل یک است مانند: $1 + 1 = 1$ که هیچ عاقلی آنرا قبول نمی کند.

خلاصه مطلب این است که آنها سه خداوند دارند و زیر پوشش نام خدا آنرا به مردم عرضه می نمایند و می گویند: ما خداوند یکتا را می پرستیم (خاک را به چشمان مردم می هاشند).

از همین جاست که قرآن کریم آنها را از این یاوه گوئی ها منع نموده گمراهی آنان را بیان می دارد، خداوند می فرماید: ﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَىٰ مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ فَآمِنُوا

بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ انْتَهُوا خَيْرًا لَكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهُ وَاحِدٌ
 سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكُنِّي
 بِاللَّهِ وَكَيْلًا^(۱).

ترجمه: «ای اهل کتاب! در دین خود غلو مکنید، و در
 باره خدا جز حق مگوئید، بیگمان عیسی مسیح پسر مریم،
 فرستاده خدا است، و او کلمه خدا (یعنی پدیده فرمان: "کن")
 است که خدا آن را به مریم رساند (و بدین وسیله عیسی را در
 شکم مریم پروراند) و او دارای روحی است که از سوی خدا (به
 کالبد مریم دمیده شده است). پس به خدا و پیامبرانش ایمان
 بیاورید و مگوئید که (خدا) سه تا است، (از این سخن پوچ)
 دست بردارید که به سود شما است. خدا یکی بیش نیست که او
 الله است محال است که فرزند داشته باشد و حال آنکه از آن
 اوست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، و کافی است (که
 تنها) خدا مدبر (مخلوقات خود) باشد».

این عقیده پیچیده و گنگ که جواب قناعت بخشی ندارد

سیاری از پیروان مسیحیت را در دو راهه قرار داده است. حالا بطور مثال قصه ای از هزاران قصه های گرویدن مسیحیان به اسلام را خدمت تان ذکر می کنم: «راجین هولده شوارش که از کشور پولند و از خانوادهء مربوط به مذهب پروتستانت می باشد و حالا مشرف به اسلام گردیده است، حکایت می کند که من از کودکی علاقهء خاصی به مسائل دینی داشتم، و آغاز به مطالعه و خواندن عقیدهء کلیسا نمودم مگر آنچه را آموختم باور کردنی و قناعت بخش نبود... زیرا توانستم مسألهء تثلیث (خدا یان سه گانه) را درست بفهمم و کلیسا نیز در این مورد جواب منطقی نداشت... و سوال هایی در ذهنم خطور می کرد که چطور مسیح العیاذ باللہ خود را پسر خدا می نامد در حالیکه در انجیل یوحنا سفر هفتم می گوید: «من نمیتوانم عملی را خودم انجام دهم...» و در سفر پنجم انجیل متی می گوید: «ای مردم! پروردگار تان را پرستش و اطاعت کنید...». و در این مورد با بعضی از علمای دینی مسیحیت مناقشه نمودم مگر کسی از آنها قادر به دادن جواب قناعت بخش نشد، سپس در پی کتابهای دین هندویی و بودایی و بعضی ادیان دیگر شدم ولی در هر کدام صدها خدا وجود داشت که دلم به

هیچ کدامی از این مذاهب آرام نمی گرفت، تا اینکه کتابی از اسلام بدستم رسید که معلومات کوتاهی در باره اسلام داشت ولی تصمیم گرفتم که تلاش به خرج دهم و معلومات کافی در باره اسلام بدست آورم. . . . همین بود که دوستان مسلمان یافتم و از آنها در مورد اسلام معلومات خواستم و آنها کتابهای زیادی را در دسترسم قرار دادند تا اینکه دلم آرام گرفت و کم شده ام را دریافتم»^(۱).

این بود عقیدهء تثلیث یا خدایان سه گانه و یا خانواده ای که همهء شان خدا اند که هر خواننده ای را به شگفت می آورد.

دوم: عقیدهء صلب یا بدار آویخته شدن مسیح ﷺ و مقدس دانستن آن:

علامهء صلیب، شعار مسیحی ها بوده آنها مقدس میدانند، آنها اعتقاد دارند که مسیح ﷺ در دو چوب متقاطع به دار آویخته شد. اینکه چرا به دار آویخته شد چنین تعلیل می کنند: مسیح ﷺ بخاطر جبران و کفارهء گناه پدر انسان ها (آدم ﷺ)، هنگامیکه از درختیکه ممنوع قرار داده شده بود خورد، گناه این نا

فرمانی به اولاد آدم منتقل گردید و خداوند بر همه اولاد آدم خشمگین است، لذا واسطه و خلاص گری بکار است که گناهان را متحمل شود و خود را فدای همه نماید تا خداوند راضی گردد. این مرد فدا کار عیسی علیه السلام بود که خود را فدائی کرد و به دار آویخته شد^(۱).

اینکه چه کسی او را بدار آویخت در کتابهای انجیل قصه آن ذکر شده که ما بطور مختصر آنرا ذکر می کنیم:

مسیحی ها اعتقاد دارند که مسیح علیه السلام را یهودیان به قتل رسانیده اند زیرا به گمان یهود مسیح علیه السلام به خداوند کافر شده است و یکی از پیروانش که یهوذا اسخریوطی نام داشت در مقابل مال، جای بود و باش او را به یهودیان افشاء نمود و همین بود که شب روز جمعه گرفتار گردید و به خانه یکی از کاهن های یهودی انتقال داده شد و بعد از تحقیق در محکمه حکم اعدام را بر او صادر نمودند، سپس به سوی مرکز ولایت رومانی ها بردند و به دار آویختند، و شب هنگام او را از دار پائین کردند و در قبری

گذاشتند. و بعد از گذشت دو روز، هنگامیکه بالای قبر آمدند، قبر را خالی یافتند، همین بود که بعد از چهل روز خداوند وی را به آسمان بلند کرد، مگر ذکر این قصه در کتابهای انجیل با اشکال مختلف بیان گردیده که اینجا گنجایش ذکر آن نیست.^(۱)

حقیقت امر چیست؟

قوم بنی اسرائیل به سبب داشتن عقیده توحید در هر زمانی از سائر ملت های معاصر خود ممتاز بودند اما به علت همسایگی و همنشینی با قبیله های بت پرست مشرک و گذشت زمان طولانی از تعلیمات پیامبران، عقاید نادرست و عادات جاهلی به سوی آنها جریان پیدا کرد. عیسی علیه السلام آنان را به توحید خالص و رهائی از تمام آن چه که از عادات جاهلی و عقاید باطل بود فرا می خواند، چون ترک این همه بر یهودیان گران آمد، علیه او به پیکار برخاستند و باکمان واحد به سویش تیر پرتاب می نمودند و او را آماج تهمتها و سخنان بیهوده خود قرار می دادند و دشنامهای زشت و گستاخانه را در مورد او به کار می بردند، و مادرش - مریم بتول -

را دشنام می دادند و طعنه می زدند. سپس تصمیم به قتلش گرفتند تا از او خلاصی یابند، پس موضوع را به حاکم رومی عرضه داشته و گفتند: او مرد شورشی و هرج و مرج طلب است که از دین ما برگشته، جوانان را فریفته و شیفته خود نموده، وجودش خطری برای حاکمیت است، چون در برابر نظام (حکومت) هیچ نرمشی نشان نمیدهد و مقید به قانون نیست، این سخنان پر از نیرنگ و زیرکی بود و رنگ سیاسی را به همراه داشت زیرا یهودیان خوب میدانستند که جنبه دینی حکام را تحریک نمی کند لذا سخنان خود را به سیاست آمیختند.

فرمانروایان بیگانه مشرک که سرگرم اداره امور بودند حقیقت امر را نمیدانستند و از کینه ورزیهای یهود و دشمنی آنها با مسیح علیه السلام را به آسانی درک نمیکردند، همین بود که بعد از پافشاری یهود و رفت و آمدهای مکرر آنان حکام وقت تصمیم گرفتند تا ازین قضیه خود را خلاص کنند.

عصر روز جمعه بود و فردایش روز شنبه که یهودیان درین روز کار نمی کردند و روز تعطیل عمومی بود اما آنان بسیار حریص بودند تا حکم قبل از غروب آفتاب روز جمعه صادر گردد و روز

شنبه را با خیال راحت استراحت نمایند، همین بود که حکم قتل او به وسیله صلیب صادر گردید. بعد از صادر شدن حکم اعدام مسیح علیه السلام عده ای از یهودیان و جوانان هیجان زده ای که آرزوی از بین بردن وی را داشتند، میخواستند هر چه زودتر به محل دار برسند، مسیح علیه السلام که بسیار خسته و ناتوان شده توانائی تند رفتن را نداشت. درین شرایط، مامور نگهبان مسیح به جوان اسرائیلی دستور داد تا چوبه دار را حمل کند، این جوان از دیگر دوستانش برجوش و خروش تر و احساساتی تر و ابله تر بود و میخواست هرچه سریع تر این امر به پایان رسد، به این ترتیب جمعیت به دروازه محل چوبه دار رسیدند، نگهبانان محل چوبه دار پیش آمدند و دست جوان حامل صلیب را گرفتند، ناله و فریاد از هر سو بلند شد، آن جوان نیز فریاد می زد و می نالید که او بیگناه است ولی نگهبانان که از رومیان بودند زبانش را نمی فهمیدند و هیچ توجهی به این داد و فریاد نکردند آنها جوان را گرفته حکم را در مورد او اجرا کردند و یهودیان نیز از دور ناظر حادثه بودند، دنیا در تاریکی شب فرو رفته بود و آنها قطعاً یقین داشتند کسی که به صلیب کشیده شده مسیح است.

اما خداوند مسیح را از کید و مکر یهود رها نید و به سوی خود فرابرد^(۱).

خداوند ﷻ درین مورد خبر می دهد: ﴿ وَكُفِّرْهُمْ وَقُولِهِمْ عَلَىٰ مَرْيَمَ بُهَاتَانًا عَظِيمًا ﴾ وَقُولِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَّبُوهُ وَلَٰكِن شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا ﴿۲۰﴾ بَل رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿۲۱﴾.

ترجمه: « و (خداوند بر آنان خشم گرفت) به سبب کفر و رزیدن شان ، و افترای بزرگی که بر مریم بستند . و می گفتند که: ما عیسی پسر مریم، پیغمبر خدا را کشتیم! در حالی که نه او را کشتند و نه بدار آویختند، و لیکن کار بر آنان مشبه شد و کسانی که در باره او اختلاف پیدا کردند (همگی) راجع به او در شک و گمانند و آگاهی بدان ندارند و تنها به گمان سخن میگویند، و یقیناً او را نکشته اند (و قطعاً مقتول کس دیگری بوده است) بلکه

۱- برگرفته از کتاب پیامبران از دیدگاه قرآن ص: ۲۳۰-۲۳۷.

۲- نساء: ۱۵۶-۱۵۸.

خداوند او را در پیش خود به مرتبه والائی رساند و خداوند توانا و حکیم است».

سوم: محاسبه مسیح عليه السلام با مردم در روز رستاخیز:

مسیحیان به این گمانند که عیسی عليه السلام محاسبه مردمان را در روز قیامت بدست خواهد گرفت، بدلیل نامه دوم پاولز که به اهل کورتوش فرستاده: «۱۰/۵» (حتماً همه ما در مقابل تخت مسیح حضور خواهیم یافت تا با هرکسی مطابق کارهای خیر یا شرش محاسبه صورت گیرد و پاداش آنرا حاصل نماید).

ولی اعتقاد مسلمانان اینست که خداوند تعالی در روز قیامت خودش محاسبه و تصفیه حساب بایندگانش خواهد کرد و پیامبران همه گواهی بر امت های شان خواهد بود^(۱).

اعتقاد مسیحیان جز خیال پروری نیست، زیرا عیسی عليه السلام مانند سایر انبیاء در میدان حشر خواهد ایستاد، بلکه خداوند مسیح عليه السلام را مورد باز پرس قرار خواهد داد، قرآن کریم این مشهد عظیم را چنین ترسیم می کند: ﴿وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ

مَرِيَمَ أَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمِّي إِلَهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالَ
 سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقِّ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ
 عَلِمْتَهُ تَعَلَّمَ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ
 الْغُيُوبِ ﴿١﴾ .

ترجمه: « و (خاطر نشان ساز) نگاه را که خداوند میگوید:
 ای عیسی پسر مریم! آیا توبه مردم گفته ای که جز الله، من و
 مادرم را هم دو خدای دیگر بدانید، عیسی میگوید: تو را منزله از
 آن میدانم که دارای شریک و انباز باشی، مرا نسزد که چیزی را
 بگویم که حق من نیست، اگر آن را گفته باشم بیگمان تو از آن
 آگاهی، تو از راز درون من هم با خبری و من از آنچه بر من پنهان
 میداری بی خبرم، زیرا تو داننده رازهایی و به همه اسرار غیب
 آگاهی» ﴿٢﴾ .

۱- المائدة: ۱۱۶ .

۲- تفسیر نور .

عبادات

عبادات مختص به کلیسا است و هر کسی در هر کجا نمی تواند عبادت کند. مابطور مختصر عباداتی را که مسیحیان انجام میدهد ذکر می نمائیم:

۱- غسل تعمید (Baptism): این عبادت قبل از

وارد شدن در آیین مسیحیت انجام می گیرد تا از گناهان گذشته پاک گردد، در داخل کلیسا حوضی وجود دارد و در آنجا اطاق مخصوص غسل تعمید با افراد خاص موجود میباشند، و بعد اتهای غسل به او اجازه شرکت در عشای ربانی (غذای مقدس) داده می شود.

۲- عشای ربانی (غذای مقدس): پس از پذیرفتن آیین

مسیحیت این مهمترین رسم عبادتی است که به عنوان یاد بود قربانی حضرت مسیح صلی الله علیه و آله انجام می گیرد، درین محفل سرودها خوانده می شود، سپس حاضرین سر و صورت یکدیگر را می بوسند و مبارک باد می گویند، بعد از آن شراب و نان آورده می شود و میان حاضرین تقسیم می کنند، نان به جسم مسیح و شراب به خون مسیح تبدیل میشود، (اگرچه در ظاهر هیچ تغییری پیدا نمیشود).

۳- نماز (حمد خوانی) در صبح و شام نماز دارند اما تعداد رکعات معلومی ندارد و نماز شان عبارت از دعاها، تسبیحات و سرودها میباشد، همچنین به جا آوردن نماز و روزه اختیاری است.

۴- روزه: روزه مسیحیان امتناع از خوردن غذای چرب و آنچه از حیوانات گرفته می شود (مثل گوشت و شیر و...) و اکفاء به خوردن حبوبات میباشد، و مدت روزه و کیفیت آن در فرقه های مختلف متفاوت است.

۵- اعتراف: خلوت با عالم دینی و اعتراف نمودن به آنچه مرتکب شده است، این اعتراف گناهان وی را مورد عفو قرار میدهد و عقوبتی بر وی لازم نمیکردد.

۶- سند مغفرت: این سند را هر که بخرد همه گناهان گذشته و آینده اش مورد عفو قرار می گیرد، این سند ها قیمت های متفاوتی دارد شاید شخصی در بدل پرداخت پول بیشتر به کلیسا، صاحب چند متر جایداد در جنت گردد^(۱).

کتابهای مسیحیان

کتاب های مسیحیان به دو دسته تقسیم می گردد:

• **عهد قدیم:** یعنی تورات که اصل و جوهر دیانت

مسیحیت بشمار می رود .

• **عهد جدید:** عبارت از انجیل های معتبر و موثوقی

است که کلیسا ها در قرن سوم میلادی به آن اعتراف داشتند،

قرار ذیل است:

۱- انجیل متی ۲- انجیل مرقص

۳- انجیل لوقا ۴- انجیل یوحنا

اولاً: انجیل متی: متی یکی از شاگردان دوازده نفری

مسیح صلی الله علیه و آله بود که انجیل را به زبان عبرانی و سریانی تدوین نموده

بود، و قدیمی ترین نسخه آن به زبان یونانی دریافت شده است،

چنانکه اختلاف زیاد در مورد اینکه چه کسی انجیل را تدوین و

ترجمه نموده است وجود دارد .

دوم: انجیل مرقص: نویسنده آن یوحنا نام دارد که از جمله

هفتاد نفری است که مسیح ﷺ آنها را برای دعوت و نشر دین مسیحیت اختیار نموده بود، او مرد فعال در نشر دین مسیحیت بود خصوصاً در شمال افریقا و روم، و در سال ۶۲ میلادی به قتل رسید.

سوم: انجیل لوقا: او مرد طبیب و رسام و اصلاً

یهودی بود، او یکی از همراهان پاولز در سفرها و اقامتش بود، و از شاگردان مسیح ﷺ بشمار نمی رود.

چهارم: انجیل یوحنا: او یکی از یاران ابن صیاد بود که

مسیح ﷺ او را خیلی دوست میداشت، ولی بعضی میگویند که او شخصی مجهولی است که به تنهایی قابل به عقیدهء تثلیث و اله بودن عیسی ﷺ در ابتدای تاریخ مسیحیت بود.

به نظر می رسد انجیل های چهار گانه را مسیح ﷺ نوشته و نویسندگان آن سویه و اهلیت آنها نداشتند تا علمای دین باشند، چنانکه شروط و اصول روایت که باید در مورد کتاب آسمانی

وجود داشته باشد دیده نمی شود^(۱).

علاوه بر این کتابها، بیست و دو نامه دیگر وجود دارد که منسوب به پاولز و یعقوب و یوحنا و یهودا می باشد.

تخریف در کتابهای انجیل

مسیح علیه السلام مانند سایر پیامبران - علیهم السلام - با دین حق و عقیده ناب توحیدی از جانب خداوند جل جلاله به مردم فرستاده شد، دین آسمانی که یکتاپرستی و توحید در همه عباداتش آشکار بود، مگر امروز این دین بصورت کامل با اصل آن فرق دارد و کاملاً تحریف گردیده است.

اینکه چرا مسیحیت از خط سیر اصلی اش تحطی نموده عوامل زیادی دارد که مهمترین آن را خدمت تان یاد آور میشویم:

أ: مستضعف و مغلوب بودن پیروان این دین:

هر حرکت و نهضتی ضرورت به آرامش و امنیت دارد تا زیر سایه آن جان بگیرد و به پیش رود و در مقابل اگر فضای نا

۱- کت نصرانیاً ص: ۱۳-۱۷ و دراسات فی الادیان ص: ۱۹۱ و مابعد.

آرام بالای این حرکات حاکم باشد، از بین رفته و متلاشی می گردد.

مسیحیت از اولین روزگارش مورد هجوم دشمنان قرار گرفت، مسیح علیه السلام از جانب یهودیان مراقبت و تعقیب می گردید، بلکه می کوشیدند تا وی را به قتل برسانند ولی خداوند او را نجات داد و به سوی خود فرا خواند.

بعد از بالا رفتن مسیح علیه السلام شخصیت ها و بزرگان این دین از جانب یهودیان به قتل رسیدند، این امر باعث شد تا پیروان مسیح علیه السلام فرار نمایند و به هر گوشه و کنار پنهان گردند، از جانب دیگر حملات امپراطوران رومانی که در سال های ۷۱ میلادی و ۱۳۵ میلادی بر مناطق شام صورت گرفت، مسیحیان هر چه بیشتر مظلوم و ستم دیده شدند، به این ترتیب دعوتگران و علمای مسیحیت توانستند به صورت درست و در فضای آرام عقیده و دعوت شان را به پیش ببرند و نشر نمایند، چنانکه نشر تعلیمات و افکار مخالف با عقیده اصیل مسیحیت و پخش کتابها و رسائل دروغینی که منسوب به دعوتگران اوائل مسیحیت بود، جایگزین عقیده توحید و ناب این دین گردید.

ب: تلف شدن انجیل و گسستن سند آن:

انجیل هایی که امروز در دسترس مسیحیان قرار دارد نسبت هیچکدامی از آنها به عیسی علیه السلام درست نبوده و اثری از انجیل عیسی علیه السلام در آنها دیده نمیشود، زیرا مسیحیان در تدوین و نوشتن انجیل بعد از بلند شدن عیسی علیه السلام اعتنایی نکردند، و از اینجاست که بعد از گذشت مدت زمان طولانی انجیل های مختلف نوشته و روی کار شد، نویسنده و مآخذی که به آن اتکاء کرده بود به صورت درست واضح و معلوم نیست.

و آن‌عه اشخاصیکه انجیل های موجوده را نوشته اند مردمان معصوم نبودند، لذا خطاهای زیادی که از فطرت انسانها است در آن رخ داد، پس چطور بالای چنین کتابهاییکه پر از خطا و انحراف باشد میتوان اعتماد کرد؟!

ج: پاولز یهودی:

پاولز یکی از سرسخت ترین دشمنان مسیح علیه السلام و مرد متعصب یهودی بود که در محیط پر از شرک و بت پرستی مختلف در شهر طرسوس پرورش یافته بود.

پاولز کوشید تا به هر شکلی که شود خود را به مسیحیت و حواری ها (شاگردان عیسی ﷺ) نزدیک کند، ولی مورد قبول آنها قرار نمیگرفت زیرا از تعصب و عداوت شدیدی که علیه عیسی ﷺ و پیروانش داشت آگاه بودند، وی به واسطه و آشنائی شخصی از حواری ها بنام (برناها) توانست در ردیف مسیحیان قرار گیرد و بعد از مدتی کمی یکی از پیشتازان دعوت مسیحیت گردد.

او مرد فعالی بود و در مناطق مختلف برای دعوت می شتافت ولی نظر به نیرنگ، عداوت و تعصب شدیدی که در مقابل مسیحیت داشت توانست این دین را از خط سیر اصلیش منحرف سازد و عقاید و افکار شرکی و بت پرستی را به مردمان عرضه نماید.

نامه هائیکه از پاولز بجا مانده است بیانگر آنست که با عقیده ناب مسیح ﷺ مخالف بوده است ما بطور مختصر مهمترین نکات آن را خدمت تان عرض میداریم:

۱- ادعا نمودن پاولز بر اینکه مسیح ﷺ پسر خدا است:

این مفکوره در سخنان و نامه پاولز که بسوی غلاطیه فرستاد

واضح می‌باشد، سپس این مفکوره میان پیروان دین مسیحیت و انجمن‌های آنان مروج گردید تا اینکه یکی از مهمترین پایه‌های عقیدتی آنان باقی ماند^(۱) ولی در انجیل متی و یوحنا روایات مغایر با این مفکوره وجود دارد مبنی بر اینکه مسیح علیه السلام خویش را بنده و فرستاده خداوند جل جلاله معرفی نموده است^(۲).

۲- پاولز ادعا داشت که هدف از آمدن مسیح علیه السلام به دار آویختن او است تا گناهان بنی آدم به این وسیله محو گردد، این مفکوره در نامه ای رومیه و نامه که بسوی کورنثوس فرستاده بود واضح است^(۳). ولی در انجیل متی و مرقص خلاف این ادعا وجود دارد، اینکه مسیح علیه السلام بخاطری فرستاده شده است تا مردم را به توبه و رجوع به خدا امر نماید^(۴).

۳- پاولز ادعا داشت که مسیح علیه السلام از طرف خدا بسوی

۱- سفر اعمال الرسل عن بداية دعوة پولس (۹/ ۲۰) و نامه پولس بسوی غلاطیه (۴/ ۴).

۲- انجیل متی ۲۰/ ۸ و انجیل یوحنا ۸/ ۴۰.

۳- رومیه ۳/ ۲۳ و ۶/ ۵ و نامه پاولز بسوی کورنثوس ۵/ ۲۱.

۴- انجیل متی ۹/ ۱۳ و انجیل مرقص ۱/ ۱۲.

همهء بنی آدم فرستاده شده است^(۱) مگر این ادعا را انجیل متی رد نموده از قول مسیح علیه السلام روایت می کند: « فرستاده نشدم مگر بسوی مردمان خرافاتی و گمراهان بنی اسرائیل»^(۲) چنانکه قرآن کریم نیز رسالت عیسی علیه السلام را مختص به بنی اسرائیل بیان داشته است^(۳).

۴- پاولز شریعت موسی علیه السلام را از میان برد و ادعا نمود که انسان تنها با ایمان نجات می یابد و ضرورت به عمل نیست^(۴)، هنگامیکه پاولز اعلان کرد که شریعت و دعوت مسیح علیه السلام برای همهء مردم است، یهودیان مخالفت شان را با این مفکوره اعلان داشتند. پاولز میدانست که وجود شریعت موسی علیه السلام مانع دعوت وی می گردد لذا ابطال و الغای این شریعت را اعلان داشت، سپس دیگر شاگردان نیز با وی متفق شدند و همهء اعمال و اموری که بر بنی اسرائیل واجب بود از میان بردند، بجز خودداری از زنا، خوردن

۱- رومیه ۱۱/ ۱۳ و غلاطیه ۱/ ۱۵ و افسس ۳/ ۸.

۲- انجیل متی ۱۰/ ۵.

۳- آل عمران: ۴۹.

گوشت حیوان خفه شده (حیوانکه بدون ذبح کشته شده باشد) و آنچه که برای بت ها ذبح گردد به حکم اولی اش باقی ماند ^(۱).

ابطال نمودن شریعت موسی علیه السلام مخالف اوامر و دستورات عیسی علیه السلام بود، زیرا شریعت موسی علیه السلام احکام و اوامر خداوند بود که انسان به وسیله آن به خداوند نزدیک می گردید سپس شریعت مسیح علیه السلام با احکام و اوامر جدیدی نیامده بود بلکه دعوت مردم به فطرت سالم ، توبه و اصلاح نفوس بود، و انجیل متی گواه بر نقض این عمل است ^(۲).

این بود خدمت بزرگ پاولز به مسیحیت که مانند خانه بدون ستون آن را بجا گذاشت، پاولز و یا هر شخص دیگری این حق را نداشت تا با اوامر و احکام دین متکامل بازی نماید، بلکه این عمل کفر و خیانت بزرگ و جنایتی بیش نیست ^(۳).

۱- اعمال الرسل ۲۸ / ۱۵ .

۲- انجیل متی ۵ / ۱۷ .

۳- دراسات فی الأدیان ص: ۳۵۸ .

ه- ابطال و الغای ختنه کردن:

مسیح عليه السلام ختنه گردید^(۱) و به آن پابندی داشت زیرا در شریعت موسی عليه السلام نزد یهود، در باره ختنه کردن ابراهیم عليه السلام هنگامیکه خداوند متعال او را به ختنه امر کرد دلیل آشکاری در «سفر تکوین» وجود دارد^(۲).

مگر پاولز مسأله ختنان را به شکل کلی از بین برد چنانکه در رومیه و نامه او بسوی تیموشاوس ذکر است^(۳).

اگر به دقت ملاحظه گردد، دیانت مسیحیت منحصر به سخنان پاولز است و از مسیح عليه السلام جز نام چیز دیگری وجود ندارد^(۴).

د- اثر عقاید و افکار بت پرستی و فلسفه آن بر مسیحیت:

مسیح عليه السلام بسوی مردمان خرافاتی و گمراه بنی اسرائیل فرستاده شد وی همیشه به پیروانش تأکید می کرد تا در قریه های

۱- انجیل لوقا ۲ / ۲۱.

۲- تکوین ۱۷ / ۱۱.

۳- رومیه ۲ / ۲۸ و نامه پاولز به سوی تیموشاوس ۱ / ۱۵.

۴- دراسات فی الأدیان ص: ۳۶۰.

مجاوری که غیر از یهودیان زندگی دارند نزنند^(۱)، مگر بعد از گذشت زمان آنها اوامر مسیح علیه السلام را نادیده گرفتند و به مردمان بت پرست روم و یونان و فارس و غیره رو آوردند. از اینجا واضح می‌گردد که باهم آمیختن و خلط شدن مسیحیان با مردمان بت پرست و عدم جهانی بودن دیانت مسیحیت، نه تنها توانست بر دیگر امت‌ها غالب آید بلکه رنگ بت پرستی را بخود گرفت و دین تحریف شده‌ای بیش باقی نماند^(۲).

علمای ادیان و تاریخ معتقد اند که مسیحیت رنگ و روش دیانت‌های شرکی و بت پرست را بخود گرفت، لذا عقیده (تثلیث یا سه جوهری که همه خدا اند) و عقیده (به دار کشیدن خدا بخاطر محو گناهان بنی آدم) و عقیده (خدا به شکل جسمی از زن پاکدامنی متولد گردید - والعیاذ بالله-) همه این اعتقادات در دیانت‌های ماقبل یهود و مسیحیان وجود داشت. این اعتقاد نزد هندوها، بودائیها، مصر قدیم، فارس، یونان، روم، آشوری‌ها،

۱- انجیل متی ۱۰ / ۵.

۲- دراسات فی الأدیان ص: ۳۶۰.

وینیقی ها، اسکندونی ها، و تارها، مردمان مکزیک و کانادا نیز رائج بود^(۱).

چنانکه افکار و معقدهای امپراطور روم (قسطنطین) تأثیر قوی بر دیانت مسیحیت نمود. قسطنطین که مرد بت پرست و در عین وقت بی خبر از دیانت مسیحیت بود، توانست مسیحیان را از ظلم و جور و ستم یهودیان رومانی نجات دهد، ولی اختلافات مسیحیان وی را مجبور ساخت تا انجمنی را در سال ۳۲۵م تشکیل دهد، وی در این انجمن به نظریات مردمانی که به خدا بودن مسیح عَلَيْهِ السَّلَام معتقد بودند میلان داشت لذا افکار و معتقدات شرکی تصویب گردید و هر کسی که مخالف آن بود به وسیله زور سلطان با وی معامله صورت می گرفت، حالا واضح شد که مسیحیت اعتقاد به سه خدا دارند و با زور سلطان منتشر گردیده است. چنانکه انجمن های مسیحیت که در سالهای ما بعد تشکیل یافت، اساس دین مسیحیت را مطابق هوی و هوس شان گذاشتند و هر کسی با آنها مخالفت می نمود مورد تکفیر قرار می گرفت^(۲).

۱- مرجع سابق.

۲- دراسات فی الأديان ص: ۳۶۳.

طوائف مسیحیت

بعد از اینکه امپراطور روم انجمن نیقیه را تشکیل داد مسیحیان به دو فرقهء بزرگ منقسم گردیدند. یکی فرقهء اریوسیه که آنها معتقد به بشر بودن و مخلوق بودن مسیح علیه السلام بودند، و فرقهء دومی پاولزی بود که ادعا داشتند که مسیح علیه السلام پسر خداوند متعال است. این فرقه به سه مذهب مختلف تقسیم شد که عبارت اند از: کاتولیک، ارتودکس و پروتستان که بارزترین عقاید این سه گروه را خدمت تان ذکر می کنیم.

اول: فرقهء کاتولیک: این فرقه پیروان پاپ در روم هستند

و مهمترین معتقدات شان قرار ذیل است:

- معتقد اند که روح قدس (جبریل) علیه السلام از پدر و پسر بیرون آمده است.
- خوردن گوشت حیوان خفه شده و خونس را مباح میدانند.
- پاپ در واتیکان رئیس عام همهء کاتولیک های جهان است.

- طلاق را حرام قرار دادند حتی در حالت زنا .
- این فرقه در اروپای غربی و امریکای جنوبی زندگی دارند .
- دوم: فرقه ارتودکس:** این فرقه پیروان کلیسای شرقی در قسطنطنیه می باشند که مهمترین معتقدات شان قرار ذیل است:
 - روح قدس تنها از پدر بیرون آمده است .
 - طلاق را حرام قرار می دهند مگر در حالت زنا جائز میدانند .
 - زیر یک پرچم یا رئیس جمع نمی شوند بلکه هر کلیسا خود مختار و مستقل است .
 - این فرقه در اروپای شرقی و روسیه منتشر است .
- سوم: فرقه پروتستانت (انجیلی ها):**
 - این فرقه منسوب به مارتن لوتر می باشد که در اوایل قرن ۱۶ میلادی در آلمان ظاهر گردید، وی می خواست تا اصلاحاتی را در کلیسا ها به وجود آورد . و مهمترین معتقدات این فرقه قرار ذیل است:
 - سند های مغفرت همه دروغ و افترا است و گناهان بجز از توبه و ندامت بخشیده نمیشود .

- هر کسی حق دارد و میتواند انجیل را بخواند و بفهمد بدون رجوع به کلیسا .
- آویختن تصاویر و مجسمه ها در کلیسا حرام است، زیرا این کار از پدیدهء بت پرستان است .
- رهبانیت و گوشه نشینی ممنوع است .
- در مورد غذای مقدس (شکرانه) که بخاطر یاد بود از آویخته شدن مسیح علیه السلام برپا می دارند و ادعای مسیحیان بر اینکه خوردن نان و نوشیدن شراب به خون و گوشت مسیح علیه السلام مبدل میگردد، آنها این ادعا را انکار و تقبیح نمودند .
- کلیساها رئیس مشخصی ندارد تا پیروی تام از وی صورت گیرد . این فرقه در آلمان و برطانیه و امریکای شمالی وجود دارد^(۱) . علاوه بر این سه مذاهب و فرقهء بزرگ مسیحیت، فروع و دیگری نیز وجود دارد که به ذکر نامهای آن اکتفا می کنیم: فرقهء مارونی، فرقهء جزویت، فرقهء مورمون، فرقهء اپوس دی و فرقهء مونه و غیره^(۲) .

۱- دراسات فی الأديان ص: ۳۷۴-۳۷۶ و الموسوعة الميسرة ۲/ ۵۸۳ .

۲- الموسوعة الميسرة ۲/ ۲۶۲ .

دعوت به مسیحیت

مهمترین اهداف داعیان مسیحیت:

چنانکه واضح است رابطه عقیدوی قویترین روابط میان انسانها به شمار می رود، از همین جاست که داعیان مسیحیت می کوشند تا مسلمانان را به خود جلب نمایند و دوستی و محبت خویش را در قلبهای شان جایگزین نمایند، این یک وسیله قوی و مؤثر برای تصرف و استعمار کشورها است که ضرورت به جنگ های خونین و پر مصرف ندارد، آنها درک نموده اند که از این راه میتوانند ثروت و دارائی مسلمانان را به غارت ببرند، وحدت و یکپارچگی مسلمانان را از راه مردمان منحرف و سیاستمداران بی دین برهم زنند، در تعلیم و نصاب مدارس آنها مستقیماً مداخله نمایند تا روح دین دوستی و محبت با اسلام را ریشه کن نمایند، اینجاست که زمینه برای دعوتگران مسیحیت مهیا میگردد و به فعالیت های شان هر چه بیشتر توسعه می بخشد.

ما بطور مختصر اهداف طویل مدت و کوتاه مدت دعوتگران مسیحیت را ذکر می نمائیم، خدا کند در راه جلوگیری از نشر و

پخش این زهر خطرناک که می‌خواهند در پیکر سست و ضعیف امت اسلامی امروزی آنرا تزریق نمایند، مؤثر واقع گردد، و برادران مسلمانان ما آگاه باشند که دشمنان شان می‌خواهند زهر را با عسل یکجا نموده به آنان تقدیم نمایند.

این اهداف قرار ذیل می‌باشد:

- ممانعت از گرویدن مسیحیان به اسلام خصوصاً در کشورهای که اغلب مردم آن مسیحیان اند.
- ممانعت از داخل شدن دیگر امتهای به اسلام، و ایستادن در مقابل نشر و پخش دین اسلام، تا مسیحیت جای آنرا بگیرد و یا بر همان معتقدات میراثی باقی بمانند.
- بیرون کردن مسلمانان یا بعضی آنها را از دین اسلام و کوشش در راه واژگون نمودن اسلام در قلب های آنان و قطع رابطه آنان با پروردگار شان. این از اهداف طویل المدت آنهاست.
- پاشیدن تخم شک و تردید در امور بنیادی و اساسی اسلام تا مردم متدین را در شک و اضطراب قرار دهند.
- وانمود کردن بر اینکه دین مسیحیت بهتر از هر دین دیگر است.

● می خواهند به دنیا وانمود کنند که رمز ترقی و پیشرفت غرب در چنگ زدن آنها به مسیحیت است، و رمز عقب ماندگی مسلمانان در مسلمان بودن و دین داری آنهاست، این منطق داعیان مسیحیت می باشد، لیکن مردمان بی دین و ملحد غرب معتقدند که رمز پیشرفت و ترقی غرب در بریدن و دوری آنها از مسیحیت است، و سبب عقب ماندن کشورهای اسلامی همانا دین اسلام و پیروی از آن می باشد. البته این عقیده شان در باره مسیحیت درست است، واقعا مسیحیت بطور تحریف شده ای که داعیان آن در قرون وسطی به مردم غرب پیش کرده بودند سبب عقب ماندگی غرب در آن زمان بود وقتی که آن را ترک کردند به ترقی و پیشرفت دست یافتند زیرا دین آنها مخالف علم و حقایق علمی بود، و علمبرداران کلیسا در آن زمان، ساینس دانان بزرگ را بخاطر نظریات ساینسی شان که با تعلیمات کلیسا مخالف بود به بدترین وضع تغذیب و اذیت نموده به قتل رسانیدند، بر عکس مسیحیت، اسلام دین علم است و پیروانش را همیشه برای آموختن علم تشویق و ترغیب نموده است، علما و ساینس دانان

در اسلام مقام بزرگی دارند و هرگز چنین نشده که حقایق ساینسی با تعلیمات اسلام و مصادر آن در تضاد باشد. لذا با جرأت میتوان گفت یگانه سبب عقب ماندگی مسلمانان همانا دوری شان از دین اسلام و تعلیمات آن است.

- می خواهند مردم غرب و سفید پوست را بهتر از دیگر نژادها معرفی کنند تا زمینهء استعمار غرب بر دیگر امت ها را آسان سازند و از دارائی و املاک آنها استفاده نمایند.

- می خواهند مسلمانان را از آداب و تعالیم دینی شان به سوی عادات و تقالید غرب بکشانند تا در همه احوال زندگی از آنان تقلید نمایند و زندگی خویش را مطابق کلتور و فرهنگ غربیها عیار نمایند، و از آداب و معاشرتی که اسلام مردم را به آن امر نموده است دور شوند^(۱).

این بود اهداف داعیان مسیحیت در کشورهای جهان که بطور مختصر آن را خدمت خوانندگان تقدیم نمودیم.

۱- التنصیر: مفهومه واهدافه ووسایله ص: ۴۵- ۴۹ و التنصیر فی البلاد

الإسلامیة ص: ۱۶- ۱۸.

حالا متن بیانیه یکی از معروفترین دعوتگران مسیحیت را خدمت تان عرض میداریم که در کنفرانس دعوتگران مسیحیت در شهر بیت المقدس در سال ۱۹۳۵ م ایراد نموده بود. این شخص "صموئیل زویمر" نام دارد، وی مهمترین اهداف نشر مسیحیت را در کشورهای اسلامی بیان می دارد:

« برادران عزیز! کسانی را که خداوند بخاطر جهاد در راه مسیحیت و استعمار نمودن کشورهای اسلامی برگزیده است با توفیق و عنایت خود کامیاب و موفق گردانید.

شما وظیفه ای را که بدوش تان سپاریده شده بود با تمام اخلاص انجام دادید، و موفقیت بزرگ را حاصل نمودید. اگرچه یقین کامل دارم که شما وظیفه تان را با تمام مهارت انجام داده اید لیکن بعضی از شما هدف بنیادی وظیفه اش را درست درک نکرده است.

من به شما اعتراف می کنم، آنعده مسلمانانیکه به دین مسیحیت گرویده اند مسلمانان راستین نبوده و از سه گروه خالی نیستند: یا اینکه خورد سال بوده اند که کسی از خانواده اش اسلام را به وی نه آموخته است، یا اینکه مردیست که دیانت ها را به باد

مسخره گرفته است و تنها لقمه نان را از این راه برابر می کند چون فقر و تنگدستی وی را به این کار واداشته است. و یا اینکه شخصی است که اهداف و اغراض شخصی خویش را از این راه بر آورده می نماید.

کشورهای مسیحی که شما را بخاطر دعوت به مسیحیت به کشورهای اسلامی گماشته اند، خواهان مسیحی ساختن مسلمانان نیستند زیرا در این کار عزت، کرامت و هدایت آنهاست.

همانا وظیفه شما بیرون آوردن مسلمانان از اسلام است تا رابطه شان با خداوند قطع گردد، همچنان از اخلاق و فضایی که ملتها بر آن اتکا دارند دور گردند، از اینجا است که شما پیشتازان فتوحات استعمار در کشورهای اسلامی هستید، یقیناً واجب تان را به صورت درست انجام داده اید، موفقیت تان را مبارکباد میگویم، چنانکه کشورهای مسیحی و عموم مسیحیان به شهکاری هایتان مبارکباد میگویند.

برادران! بعد از گذشت ثلث قرن نزدهم تا امروز توانستیم بر همه برنامه های تعلیمی کشورهای مستقل اسلامی، و کشورهایی که تابع نفوذ مسیحیت اند، و کشورهایی که دولت داران شان مسیحیان

اند، قبضه نمائیم، در این کشورها کمین گاههای مسیحیت، کلیساها و انجمن های را تشکیل دادیم و در مکاتبی که زیر نظارت و سرپرستی کشورهای اروپائی و امریکائی قرار دارند، نیز برنامه های چشمگیری را عملی نمودیم، حتی شخصیت های بزرگ این دولت ها را به دام خود کشانیدیم.

تقدیر و سپاس قبل از همه به شما بر می گردد سپس به کمک و همکاری های توانگر و ثمربخش مختلفی که بزرگترین دست آوردهای بی مثیل تاریخی را ثبت نموده اند.

شما با وسایل و امکانات دست داشته تان توانسته اید همهء عقل و هوش را در کشورهای اسلامی به خود جلب نموده در خط سیر خویش که قبلاً آن را آماده کرده بودید، قرار داده و بر آنان بقبولانید. شما نسلی را تربیه و آماده نمودید که از خدا دور گشته اند و قادر نخواهند بود تا با خدا رابطه خود را محکم نمایند، این نسل برای همیشه نمی خواهند با خدا رابطه داشته باشند.

شما مسلمان را از اسلام بیرون آوردید ولی مشرف به مسیحیت ننمودید، به این ترتیب نسلی را آماده کردید که استعمار انتظار آن را داشت، نسلیکه در مقابل سختی مقاومت نداشته، بی

پروا و راحت طلب و تنبل باشد، و اگر به مقام و مراتب بزرگ دست یابد بخاطر شهوت و عیش و عشرت خویش سخاوت و جوانمردی خواهد کرد. بدون شک مأموریت خویش را به صورت درست به پیش می برید، از اینجاست که نتایج و دست آوردهای بزرگی را حاصل نمودید که ملت مسیحیت عموماً به شما تبریک عرض میدارند، چنانکه استعمار از شما راضی و خوشنود بوده، پس به پیش به سوی ادای رسالت و مأموریت مقدس تان، همانا به فضل و جهاد مبارک تان به مقام والائی دست یافته اید و خداوند از شما راضی است»^(۱).

با این گونه اهداف زشت و پست و وسایل بدتر از آن مسیحیان در لباس دلسوزی و انسان دوستی با فقراء و مساکین و ناداران داخل کشورهای اسلامی می گردند ولی خداوند از دین و بندگان مؤمنش دفاع می کند، خداوند متعال می فرماید:

﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفَؤُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَاللَّهُ مِمَّنْ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾^(۲).

۱- دراسات فی الأديان ص: ۳۸۱-۳۸۳.

۲- سوره صف: ۸.

ترجمه: «میخواهند نور (آئین) خدا را با دهانهایشان خاموش گردانند، ولی خدا نور خود را کامل میگرداند، هرچند که کافران دوست نداشته باشند»^(۱).

وسایل دعوت به مسیحیت

قبل از اینکه با وسایل مسیحیان در دعوت شان آشنا شویم باید بدانیم که آنها در این زمینه از دو راه پیش می روند یکی وسایل آشکار و صریح و دیگری وسایل مخفی و دور از انظار عامه، چنانکه از وسایل عصری که جهانیان جدیداً با آن آشنا شده اند استفاده مینمایند، و شاید وسایل عصری را بیشتر اهمیت دهند، دعوتگران مسیحیت همه این راه ها و وسایل را تجربه نموده اند و نظر به شرایط مکان و زمان آن را تغییر میدهند.

وسایلی که بصورت آشکار و علنی در راه گرائیدن مسلمانان به مسیحیت از آن استفاده میشود به دو دسته تقسیم می گردد:

- فراخواندن مسلمانان به مسیحیت از راه مناقشه و مناظره علمی و یا مشکوک نمودن جانب مقابل در اعتقادش.

• جنگ های صلیبی و محاکم تفتیش و اختطاف کودکان و سرقت از راه بجرها، و از بین بردن مسلمانانیکه مانع دعوت آنها قرار می گیرند، اشغال و به استعمار کشاندن کشورهای اسلامی.

چنانکه مؤسسات و انجمن های مسیحی متعددیکه بطور علنی و با همکاری کشورهای غربی تأسیس گردیده است، در این راه دست درکار اند. مؤسسات و انجمن هائیکه بخاطر دعوت مسیحیت انشاء و تأسیس شده است بیشتر از سی مؤسسهء رسمی است که از سالهای ۱۷۶۵ میلادی تا حال در کشورهای مختلف جهان مشغول دعوت به مسیحیت اند، که گنجایش ذکر آن در اینجا نیست، و اگر کسی معلومات مفصل در باره این مؤسسات و تاریخ تأسیس آن میخواهد به مراجع و مصادر این رساله مراجعه نماید.

اما وسایل مخفی و زیر پرده ای که در راه دعوت به مسیحیت و یا تأمین مصالح مسیحیان از آن استفاده می نمایند قرار آتی است:

۱- هیأت های دپلوماتیک که از جانب کشورهای غربی به کشورهای اسلامی اعزام می گردند، و مؤسسات و شرکت های

ساختمانی و تعلیمی رسمی که مشغول کار و فعالیت در سرزمین های اسلامی اند. دعوتگران مسیحیت از این فرصت استفاده میکنند و به شکل غیر مستقیم مسلمانان را بسوی مسیحیت دعوت مینمایند و یا اقلاً محبت و دوستی غربیها را در دلهايشان جا میدهند.

۲- مکشف ها: مکشفین جغرافیائی که از جانب دانشگاه های غربی به کشورهای اسلامی اعزام میگرددند، دعوتگران مسیحی از این راه نیز استفاده می نمایند.

۳- طبابت: هیأت های طبی که در ردیف مؤسسات کمک های انسانی و علاج مردمان بی نوا و تنگدست به کشورهای اسلامی فرستاده می شوند، آنها در قدم اول کلینک ها و شفاخانه ها را تأسیس می نمایند سپس به تدریج و بازرنگی دعوت به مسیحیت می نمایند.

۴- آموزش حرفه یا پیشه: مؤسسات غربی که جوانان مسلمان را حرفه یا صنعت می آموزند، مسیحیان زیر پوشش این دعوت خویش را به پیش می برند.

۵- **تعلیمات عالی:** هیأت های تعلیمی اعزام شده بخاطر تأسیس دانشگاه یا فاکولته ها در کشورهای اسلامی، این مؤسسات علمی بخاطر شکار جوانان به دام مسیحیت و یا بخاطر تجسس به کشورهای اسلامی فرستاده می شوند. چنانکه جوانان ذکی و با استعداد را زیر تربیه و نظارت خویش قرار میدهند تا در آینده آنها را شخصیت های بارز معرفی نمایند و اکثراً زمام امور و یا پست های بلند به آنها سپرده می شود و در مقابل دین اسلام و مسلمانان از آنها استفاده صورت می گیرد.

۶- **مؤسساتی که بنام کمک و همکاری در کشورهای فقیر گسیل می شوند،** این مؤسسات از راه کمک و همکاری با مردان و زنان و کودکان، لباس، مواد غذایی و خیمه و... را به مردمان تقدیم مینمایند و میگویند: این نعمت عیسی پسر مریم است که به شما ارزانی نموده است و یا بطور کنایه و یا غیر مستقیم که باعث برخورد یا افشای اسرار آنها نگردد، زهر خویش را می ریزند.

۷- **شکار زنها:** دعوتگران مسیحیت درک کرده اند که زنها می تواند تأثیر مستقیم بالایی خانواده و فرزندان و همزیستان شان داشته باشند، لذا قبل از همه می کوشند تا زن را از دایره اخلاق

و محیط اسلامی بیرون آرند، سپس در برهنه نمودن آنها می کوشند. آنها کورسهای مختلف و به نام های مختلف در قریه جات و دهات و شهرها تشکیل میدهند.

کورسهای حرفوی که هرگز به زن تعلق ندارد تأسیس می نمایند و در بعضی جاهائیکه هدف شان بجا خورده است کورسهای رقص و موسیقی و هنر را ایجاد نموده اند، اما در مورد حقوق زن و مساوی بودن آنها با مردان سخنانی است که همه روزه از طریق رسانه های جمعی پخش می گردد، می خواهند زن در امور سیاسی و فرهنگی نقش فعال داشته باشد، زیرا آنها به نتیجه رسیده اند که زن شکاری مناسب و خوبی برای تطبیق و پخش اهداف مسیحیت است.

۸- کارگران و متخصصین: کارگران و متخصصین مسیحی که

در امور طبی، ساینس و تکنالوجی، و دیگر حرفه ها در کشورهای اسلامی کار میکنند آنها در راه دعوت به مسیحیت نیز نقش بارزی را بازی می کنند زیرا آنها میان توده ها و اقشار جامعه هستند به تدریج مردمان ضعیف را به دام خویش می گیرند.

۹- بورس های تعلیمی: محصلان و شاگردانیکه

عالی به کشورهای غربی فرستاده می شوند، شکار خوبی برای دعوتگران مسیحیت اند، آنها برنامه های متنوع را برای محصلان خارجی مخصوصاً مسلمان ها آماده می نمایند مانند دعوت و مهمانی به منازل مسیحیان و یا برنامه های فرهنگی یا اجتماعی در یکی از کلیساها یا میدان های ورزشی مربوط به کلیساها.

همچنان در خارج از ساحة دانشگاه ها دعوتگران می کوشند با آنها ارتباط بگیرند و به نام همکاری و یا دوستی این ارتباط را نگهدارند، آهسته آهسته بعضی افکار و معتقدات خویش را به آنها بازگو نمایند تا اینکه رفته رفته بحث و تقاش اینچنین مسایل شکل عادی را بخود بگیرد، جوانانیکه معلومات کافی از دین و آئین خویش ندارند زودتر منحرف می گردند. چنانکه جوانان بی بضاعت و تنگدست بعد از اینکه مبلغی را از طریق کلیساها و یا انجمن های تعاونی بدست می آورند، در دام و زیر منت آنها گیر می مانند.

۱۰- تبادلۀ کلتور و فرهنگ میان کشورهای غربی و اسلامی:

تبادلۀ کلتور میان کشورهای اسلامی و غربی از مهمترین وسایل دعوت به مسیحیت به شمار می رود، درین تبادلۀ ها بهره و

نصیب کشورهای اسلامی غالباً، تقدیم و پیشکش نمودن تقالید، کلتور و عنعنات مردمی از جمله رقص، موسیقی و لباسهای مردانه و زنانه و خوردنی های وطنی، و صنایع دستی و غیره می باشد، و یا توزیع کردن بعضی از کتابها و رساله های که طبیعت کشور و حالت مردم را بیان می کند می باشد، ولی نصیب و بهره کشورهای بیگانه غربی عبارت از تأسیس مراکز فرهنگی دائمی، و گرد آوردن شخصیت های ملی و فرهنگی این کشورها درین مراکز می باشد، و از لابلای این مراکز جوانان و افراد این کشور را به مسیحیت دعوت می دهند و یا اینکه آنها را به فرهنگ پوچ و بی معنای خود مفتون می سازند.

۱۱- وسایل و رسانه های خبری:

وسایل و رسانه های خبری مانند رادیو، تلفزیون، سینما، تالارها و دیگر وسایل ارتباطی و نقل معلومات مانند انترنت همه در حملات مسیحیت بر کشورهای اسلامی سهم فعال دارند، که از جمله وسایل مخفی به شمار می روند لیکن وسایل معلوماتی و ارتباط آشکار خیلی زیاد است که با زبان های مختلف از طریق شبکه ها و اقمار مصنوعی برای ساعت ها پخش می گردد، اینچنین وسایل

در نشر عقاید مسیحیت و غیره نقش مهم و سریع الوصول را دارا است. چنانکه افلام و نمایشنامه ها و سریال ها و برنامه های فرهنگی و تعلیمی که در تلفزیون و کانال های کشورهای اسلامی پخش می گردد، همه در نشر فرهنگ غرب، و اجرای شعائر دینی و مذهبی آنها و اصطلاحات و حرکات و تقلید مردمان غرب نقش فعال دارند، حتی در افلام کارتونی که اکثراً ساخت کشورهای غربی است، کوشیده شده تا تمدن و کلتور غرب در مغزهای کودکان مسلمان ریشه دواند.

کورسهای زبان انگلیسی و برنامه های رادیویی که بخاطر تعلیم زبان انگلیسی آماده میشود، بطور واضح فرهنگ غرب را به جوانان مسلمان می آموزاند و حکایات و قصه های دوستی دختر و پسر یا پیک شراب و... را در آن درج می کنند تا همچو مسایل در نظر فرد مسلمان عادی گردد. هرگاه مردم را آماده پذیرش کلتور خود نمودند به آسانی مسیحیت، کفر و الحاد را قبول خواهند کرد^(۱).

۱- برگرفته از کتاب التنبیر مفهوم و اهدافه و وسائله ص ۵۷-۹۴، ودراسات فی الادیان ص ۳۷۹ والتنبیر فی البلاد الاسلامیه ص ۱۷-۲۸.

چگونه از پخش و نشر مسیحیت جلوگیری نمود؟

بر هر مسلمان لازم است تا در نشر و پخش دین اسلام به اندازه وسع خود سهم بگیرد، زیرا اسلام دینی است که به همه شریعت به واسطه پیامبر بزرگ اسلام حضرت محمد ﷺ فرستاده شده است، هر چند قرآن کریم با دلایل و براهین واضح و آشکار فرود آمده است ولی با آن هم به وسایل، راه و روشی که مناسب و مطابق هر اجتماع باشد، ضرورت دارد.

چنانکه در رویارویی و افشا نمودن حملات مسیحیت بر کشورهای اسلامی هر مسلمان ملزم به کار، فعالیت، دفاع از دین، و بر ملا ساختن برنامه های آنان می باشد.

ما بطور مختصر راه های مقابله با دعوتگران مسیحیت را خدمت خوانندگان گرامی تقدیم میداریم، خدا کند درین راه گامی مؤثری باشد.

۱- مسلمانان باید به آئین اسلام و آداب آن چنگ بزنند تا الگو و نمونه ای از اخلاق و آداب اسلامی گردند، و دیگران را گرویده آئین خود گردانند.

۲- بصاب و برنامه های تعلیمی در همهء مراحل آن باید موافق و موازی با احکام شریعت اسلامی باشد تا نسل آگاه به دین ببار آید.

۳- همهء عوامل و اسباب اختلاف و تفرقه میان مسلمانان برداشته شود و اینکار تنها در وحدت زیر پرچم اسلام و تطبیق قانون قرآن صورت خواهد گرفت.

۴- حکومت های کشورهای اسلامی باید به سوی عملی نمودن احکام و قوانین اسلامی حرکت نمایند و قوانین وضعی و خود ساختهء بیگانگان را از میان بردارند.

۵- باید فعالیت و کار در زمینهء نشر کتابها و تألیفات اسلامی صورت گیرد تا اسلام به شکل درست و حقیقی اش به مردم معرفی گردد، زیرا اسلام دینی است که عقل را مخاطب قرار میدهد، و اگر مسأله ای و مشکلی پیش آید باید در پرتو آیات قرآنی و سنت مطهر پیامبر ﷺ حل گردد و راهی برای مسیحیت باقی نماند تا در حل معضله های ما مداخله نمایند.

۶- باید دعوتگران ماهر و برجسته به کشورهای بیگانه فرستاده شوند تا آئین اسلام را بطور درست به آنها پیش نمایند.

۷- انجمن ها، مؤسسات، مراکز و اتحادیه های مختلف تأسیس گردد تا روش های دعوتگران مسیحیت و مستشرقین (خاورشناسان)، توطئه و دسیسه ها و پلان های آنها را خنثی نمایند.

۸- دولت های اسلامی در مورد شفاخانه ها، کلینک ها، کورسها و مراکز کلتوری و ورزشی بیگانگان تجدید نظر نمایند، زیرا اینها از وسایل مهم دعوتگران مسیحیت بشمار می رود.

۹- نشر و پخش اخبار و حکایات اشخاصیکه به اسلام مشرف میگردند، چه مسیحی یا کس دیگری، بویژه آنعده دعوتگران شان که به اسلام میگردند^(۱).

۱- التنصیر فی البلاد الاسلامیة ص ۹۸-۱۰۶، و سایت العالم الاسلامی (وسایل اخوان مسلمین برضد مسیحیت) والتنصیر و مفهومه .. ص: ۱۳۵-۱۴۰.

مقام مسیح ﷺ و سایر انبیاء ﷺ - در اسلام

مسیح ﷺ پسر مریم بدون پدر به دنیا آمده، این یک حادثه عجیب و شگفت انگیزی است! مگر شگفت انگیز تر از آفریدن آدم ﷺ نیست، هنگامیکه خداوند وی را بدون پدر و مادر آفرید. خداوند می فرماید: ﴿إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾^(۱).

ترجمه: «مسأله (آفرینش) عیسی برای خدا، همچو مسأله (آفرینش) آدم است که او را از خاک بیآفرید، سپس به او گفت: پدید آی! و (بی درنگ) پدید آمد»^(۲).

قرآن کریم یگانه منبع و مصدری است که قصه ولادت عیسی ﷺ را با اسلوب زیبا و معجز بیان داشته است. خداوند در سوره مریم چنین می فرماید:

﴿وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ اتَّيَبَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا ۖ فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا

۱- آل عمران: ۵۹.

۲- تفسیر نور.

سَوِيًّا * قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا * قَالَ إِنَّمَا أَنَا
رَسُولُ رَبِّكَ لَأَهَبَ لَكَ غُلَامًا زَكِيًّا * قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ
يَمْسَسْنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا * قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ
وَلَنَجْعَلُهَا آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَقْضِيًّا * فَحَمَلَتْهُ فَاتَبَذَتْ
بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا * فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي
مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَنْسِيًّا * فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَا تَحْزَنِي قَدْ
جَعَلَ رَبُّكَ تَحْتَكِ سَرِيًّا * وَهَزَيْتِ إِلَيْكَ الْجِذْعَ النَّخْلَةَ تَسَاقَطَ عَلَيْكَ
رُطْبًا جَنِيًّا * فَكَلِمِي وَأَشْرِبِي وَقَرِّي عَيْنًا فَإِمَّا تَرِينِ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا
فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا * فَآتَتْ بِهِ قَوْمَهَا
تَحْمَلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا * يَا أُخْتُ هَارُونَ مَا كَانَ
أَبُوكَ أَمْرًا سَوْءًا وَمَا كَانَتْ أُمُّكَ بَغِيًّا * فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ
مَنْ كَانَ فِي الْمُهْدِ صَبِيًّا * قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِي الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي
نَبِيًّا * وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ
حَيًّا * وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا * وَالسَّلَامُ عَلَيَّ ۖ

وَيَوْمَ أُمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا * ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ
يَمْتَرُونَ * مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَاكِدٍ سُبْحَانَهُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا
يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿١١﴾.

« ای پیامبر! در کتاب از مریم سخن بگو: آن هنگام که در ناحیه شرقی (بیت المقدس برای فراغت عبادت) از خانواده اش کناره گرفت. و پرده ای میان خود و ایشان افکند، ما جبریل (فرشته) خود را به سوی او فرستادیم و جبریل در شکل انسان خوش قیافه ای بر مریم ظاهر شد. (مریم لرزان و هراسان) گفت: من از تو، به خدای مهربان پناه میبرم. اگر پرهیزگار هستی (بترس که من به او پناه بردم و او یار بی کسان است) (جبریل) گفت: (بترس) پروردگارت مرا فرستاده است تا به تو پسر پاکیزه ای ببخشم. (مریم) گفت: چگونه پسری خواهم داشت، در حالی که انسانی (از راه حلال) با من نزدیکی نکرده است، و زنا کار هم نبوده ام؟ (جبریل) گفت: همانگونه است (که بیان داشتی اما) پروردگارت گفته است این (کار، دادن فرزند بدون پدر) برای من آسان است، بخاطر آن است

که (میخواهیم) او را معجزه ای برای مردمان کنیم، و رحمتی از سوی خود سازیم. دیگر کار انجام یافته است. (اراده خداوند تحقق یافت و مریم) باردار شد و با جنین خود (عیسی) در مکان دوردستی گوشه گرفت. درد زائیدن او را به کنار تنه خرما کشاند، گفت: کاش! پیش از این مرده بودم و چیز فراموش شده ای بودم. (جبریل) از پائین او، وی را صدا زد، غمگین مباش. پروردگارت پائین (ترا از تو) چشمه ای پدید آورده است (و روانش کرده است). تنه خرما را بجنیان و بتکان، تا خرمای نورس دست چینی بر تو فروبارد. پس بخور و بیاشام و چشم را روشن دار، و هرگاه کسی را دیدی بگو: که من برای خدای مهربان روزه (سکوت و خودداری از گفتار) نذر کرده ام، و به همین دلیل امروز با انسانی سخن نمیگویم. مریم او را در آغوش گرفت و پیش اقوام و خویشاوندان خود برد. آنان گفتند: ای مریم! عجب کار زشتی کرده ای! ای خواهر هارون! نه پدر تو مردی بدی بود، و نه مادرت زن بدکاره ای! (مریم) اشاره به او (نوزادش) کرد. گفتند: ما چگونه با کودکی که در گهواره است سخن بگوئیم؟ (هنگامیکه عیسی سخن ایشان را شنید) گفت: من بنده خدایم، برای من کتاب (آسمانی انجیل) را خواهد فرستاد و مرا

پیغمبر خواهد کرد. و مرا - در هر کجا که باشم - شخص پر برکت و سودمندی مینماید. و مرا به نماز خواندن و زکات دادن - تا وقتی که زنده باشم - سفارش میفرماید. و به نیکی و نیکرفتاری در حق مادرم و مرا زورگو و بد رفتار نمیسازد. و سلام (خدا) بر من است (در سراسر زندگی) آن روز که متولد شده ام، و آن روز که میمیرم، و آن روز که زنده و برانگیخته میشوم! این است عیسی پسر مریم، این سخن راستین در باره او است، سخن راستینی که در آن شک و تردید می کنند. سزاوار خداوند نیست که فرزندی داشته باشد. او منزله است، هرگاه اراده پدید آوردن چیزی و انجام کاری کند، تنها کافی است راجع بدان بگوید: بشو! و میشود»^(۱).

عقیده مسلمانان در مورد پیامبران الصلوات

ایمان به پیامبران رکنی از ارکان ایمان بشمار میرود، اگر مسلمانی ایمان به همه پیامبران - علیهم السلام - مانند ایمانش به محمد ﷺ نداشته باشد مسلمان محسوب نمی‌شود و اگر به یکی از پیامبران کافر شود و یا سخن بد یا زشتی را به آنها نسبت دهد از دایره اسلام خارج گردیده مرتد است، کسی که به یک پیامبر کافر گردد چنانکه به همه آنها کافر گردیده باشد، مسلمان ایمان به همه رسالات آسمانی دارد، خداوند می فرماید:

﴿ آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نَفَرَقَ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴾^(۱).

ترجمه: «ایمان آورد پیغمبر به چیزی که نازل شده بوی از طرف پروردگارش و مؤمنان نیز (ایمان آوردند)، همگی به خدا و فرشتگان او و کتابهای وی و پیامبرانش ایمان داشته (و میگویند)

میان هیچیک از پیغمبران او فرق نمی گذاریم».

علامه یوسف قرضاوی میگوید: « اگر یهود زیر پرچم موسی علیه السلام نزد ما بیایند ما مسلمانان زیر پرچم موسی و عیسی و محمد - علیهم السلام - در مقابل آنها می ایستیم، الحمد لله ما مسلمانان در برابر هیچ کتاب آسمانی و یا پیامبری کینه و دشمنی نداریم ما چنانکه پیامبر مان محمد صلی الله علیه و آله فرموده است: (ما نزدیک ترین مردمان به عیسی پسر مریم هستیم)، محبت و دوستی عیسی علیه السلام و مادر با عفتش در اعماق قلبهای ما جا دارد، این محبت ما مسلمانان، در برابر همه پیامبران است، پس آیا پیروان آنها همچو محبت و دوستی و احترام در مقابل پیامبر مان محمد صلی الله علیه و آله دارند؟»^(۱)

اعترافات

برنارد شو می گوید: « پیروان محمد در مورد مسیح ﷺ از ادب فراوانی برخوردار هستند»^(۱).

دیگری بنام م. کویت چنین می گوید: « غربیها در فضای عداوت و دشمنی در مقابل اسلام بزرگ شده اند، بر عکس، مسلمانان محبت و دوستی فراوانی در برابر مسیح ﷺ و کتابش انجیل دارند».

ارسکین چایلدرز بریطانی می گوید: « روابط مسلمانان با دیگران از روزگار اول اسلام با هم مساوی و برابر نبود، زیرا اسلام به همه دیانت های آسمانی اعتراف دارد و ایمان داشتن به پیامبران پیشین را جزو اساسی اعتقاد خود میدانند، اما اهل دیانت های دیگر، اسلام را به رسمیت نشناختند و معترف نشدند و روزی هم با آنها از راه دوستی و مسالمت پیش نرفتند».

دیگری بنام رینیه دیکارت در یکی از مقاله هایش می گوید:

« مسلمانان به رسالت عیسوی و محمدی عمل می کنند، ولی ما به رسالت دومی (اسلام) عمل نمودیم، اگر انصافانه قضاوت می کردیم، حتماً در پهلوی آنها یکجا با هم قرار می گرفتیم، زیرا رسالت مسلمانان سازگار و هم آهنگ با هر زمانی و مکانی است.»

استاد محمد غریب مسلمان می گوید: « اگر مسیحیان اسلام را می فهمیدند و مشرف به آن می شدند مسیح الصلیة را بیشتر از قبل مورد احترام و عزت قرار میدادند» ^(۱).

۱- التّصوّر الإسلامي للمسیح رسالت الإسلام، و برگرفته از کتاب « رجعت محمداً ولم أخسر المسيح ».

سخن اخیر

در اخیر به سه نکته مهم اشاره می‌نمائیم:

اول: جنگ و مبارزه میان مسلمانان و کافران تا فرود آمدن عیسی علیه السلام از آسمان ادامه خواهد یافت، عیسی علیه السلام بعد از فرود آمدنش دجال و خنزیر را نابود خواهد کرد، سپس صلیب را می‌شکند و مطابق احکام و قوانین شریعت محمد صلی الله علیه و آله حکم خواهد کرد.^(۱)

پیشرفت و بالادستی کافران در سلاح‌های جنگی، ساینس و تکنالوژی و اقتصاد و فرهنگ بر مسلمانان، بسنده خاموش شدن شعله‌های دشمنی و عداوت آنها در مقابل مسلمانان نخواهد بود، تا اینکه آنها را از دین شان بیرون آرند، خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَبْعَ مِلَّتَهُمْ...﴾^(۲). ترجمه: «یهودیان و مسیحیان هرگز از تو خوشنود نخواهد شد، مگر اینکه از آئین ایشان پیروی کنی».

۱- به صحیح بخاری و مسلم باب نزول عیسی علیه السلام مراجعه شود.

۲- البقرة: ۱۲۰.

دوم: بر همهٔ مسلمانان لازم است تا در دفاع از دین شان و مقاومت در مقابل تجاوزگران و کافران با امکانات دست‌داشتهٔ شان سهم گیرند. خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...﴾^(۱).

ترجمه: «برای (مبارزه با) آنان تا آنجا که می‌توانید نیروی (مادی و معنوی) آماده سازید».

سوم: موفقیت و پیروزی از آن مسلمانان خواهد شد، ولی مشروط بر اینکه به خداوند رجوع کنند و از او امر و نواهی خداوند متعال پیروی تمام نمایند شاید مبارزه میان اهل حق و باطل طول بکشد ولی در نهایت پیروزی از اهل حق است هر چند کافران افکار پوچ و بی اساس شان را از راه کانال‌های فضائی، اینترنت، گسیل دعوتگران و از راه‌های مختلف، پخش نمایند و در این راه هزینه‌های هنگفتی را بمصرف برسانند، لیکن جایی را نخواهد گرفت^(۲)، خداوند عَلَّامُ الْغُیُوبِ می‌فرماید:

۱- البقرة: ۱۲۰.

۲- مجلهٔ البيان سال ۱۵- عدد ۱۵۴ جمادی الآخر ۱۴۲۱هـ ص: ابراهیم

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ﴾^(۱).

ترجمه: «کافران اموال خود را خرج می کنند تا (مردمان را) از راه خدا باز دارند. آنان اموالشان را خرج خواهند کرد، اما بعداً مایهء حسرت و ندامت ایشان خواهد گشت و شکست هم خواهند خورد. بیگمان کافران همگی به سوی دوزخ رانده میگردند و در آن گرد آورده میشوند»^(۲). مسیحیان از عقیدهء گنگ و بی مفهومی که دارند خسته شده اند تا جائیکه در این اواخر در بعضی از شهرهای انگلستان کلیساها به فروش رسید که خوشبختانه خریداران کلیساها مسلمانان بودند و در بدل آن مساجد بزرگی را بنا نمودند.

وصلی الله علی نبینا وعلی آله وصحبه أجمعین.

فهرست مراجع و مصادر

- ١- تفسير نور از دكتور مصطفى خرم دل، چاپ ايران، تهران، نشر احسان ١٣٧٩هـ - ش.
- ٢- التنصير فى البلاد الإسلامية، تأليف دكتور محمد ناصر الشثرى، دار الحبيب، الرياض.
- ٣- خصائص التصور الإسلامى، سيد قطب، دار الشروق، بيروت ١٤١٥هـ.
- ٤- التنصير مفهومه واهدافه ووسائله وسبل مواجهته، على ابراهيم الحمد النملة، مكتبة التوبة، الرياض ١٤١٩هـ.
- ٥- دراسات فى الأديان اليهودية و النصرانية، دكتور سعود عبد العزيز الخلف، أضواء السلف، الرياض ١٤٢٢هـ.
- ٦- الموسوعة الميسرة فى الأديان والمذاهب المعاصرة، چاپ الندوة العالمية للشباب الإسلامى، الرياض - ١٤٠٩هـ.
- ٧- الموسوعة الميسرة فى الأديان والمذاهب والأحزاب المعاصرة، الدكتور مانع حماد الجهنى، چاپ دار الندوة للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤٢٠هـ.

- ٨- كنت نصرانياً وأسلمت، إعداد محيي الدين عبد الحميد، المطابع
المجموعة الإعلامية ١٤١٤هـ.
- ٩- پیامبران از دیدگاه قرآن تألیف استاد ابو الحسن الندوی ترجمه
محمد بهاؤ الدین حسینی، انتشارات تازه نگار ١٣٧٨هـ.
- ١٠- لماذا اعتنقت الإسلام، استاد فوزی الحلبي، دار المسلم للنشر
والتوزيع، الرياض ١٤٢٢هـ.
- ١١- مجلهء البيان، السنة ١٥- العدد ١٥٤- جمادى الآخرة
١٤٢١هـ.
- ١٢- سايت الإسلام.

فهرست موضوعات

- پیشگفتار ۱
- تعریف بعض اصطلاحات ۴
- عقیده مسیحیت ۹
- عبادات ۲۴
- کتابهای مسیحیت ۲۶
- طوایف مسیحیت ۳۸
- دعوت به مسیحیت ۴۱
- وسایل دعوت به مسیحیت ۴۹
- چگونه از پخش مسیحیت جلوگیری نمود ۵۷
- مقام مسیح صلی الله علیه و آله و سایر انبیاء در اسلام ۶۰
- عقیده مسلمانان در مورد پیامبران ۶۵
- اعترافات ۶۷
- سخن اخیر ۶۹
- فهرست مراجع ۷۲

رقم الإيداع : ١٤٢٥/٧٥١٥

ردمك : ٩٩٦٠-٤٧-١٣١-٤